

اندیشه‌های نوین تربیتی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دانشگاه الزهراء^ع

تاریخ دریافت: ۸۸/۳/۲۸

تاریخ بررسی: ۸۸/۵/۲۵

دوره ۶، شماره ۱

بهار ۱۳۸۹

صص ۵۳-۷۱

تاریخ پذیرش: ۸۹/۲/۲۲

پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس جهت‌گیری‌های مذهبی «در میان دانشجویان دانشگاه شیراز»

فزیده‌سادات حسینی*

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

دکتر محمد مزیدی

دانشیار بخش فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز

دکتر معهود حسین چاری

استادیار بخش روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

چکیده

تحقیق حاضر نقش جهت‌گیری‌های مذهبی در پیش‌بینی سبک‌های هویت را بررسی کرده است. یکی از مباحث اصلی در روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت در چند دهه گذشته بحث هویت است. امروزه، جهت‌گیری مذهبی به یک دیدگاه مرکزی در روان‌شناسی مذهب تبدیل شده است. بر همین اساس این تحقیق به منظور بررسی نقش جهت‌گیری‌های مذهبی (جهت‌گیری درونی، بیرونی و سؤال) در سبک‌های پردازش هویت برزونسکی، انجام شده است. بدین منظور تعداد ۱۹۵ نفر (۹۸ نفر دختر و ۹۷ نفر پسر) از دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه شیراز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای، انتخاب شدند و مقیاس جهت‌گیری مذهبی، جهت‌گیری سؤال، و سبک هویت را تکمیل کردند. نتایج حاصل از رگرسیون نشان دهنده این است که جهت‌گیری مذهبی درونی و سؤال، سبک هویتی اطلاعاتی را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند. جهت‌گیری مذهبی درونی، سبک هویتی هنجاری را به صورت مثبت و جهت‌گیری مذهبی سؤال این سبک را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند همچنین جهت‌گیری مذهبی سؤال، سبک هویتی سردرگم - اجتنابی را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

سبک هویت، جهت‌گیری مذهبی، دانشجویان

* نویسنده مسئول Fsadathoseini@yahoo.com

مقدمه

در چند دهه گذشته حجم وسیعی از تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی شخصیت به بررسی هویت تمرکز کرده است. اریکسون^۱ (۱۹۶۳) نخستین فردی است که هویت را به عنوان دستاورد مهم شخصیت نوجوانی معرفی کرد و مهم‌ترین نظریه درباره هویت را توصیف کرد. (برک، ۱۳۸۱). بعد از ارائه این نظریه بنیادین، محققان فراوانی هویت را بررسی کرده‌اند، مطرح شدن نظریه‌های جدید دستاورد این تلاش گسترده علمی بود.

در این بین رویکرد فرایندنگر به هویت، تلاشی است که برزونسکی^۲ (۱۹۹۰، ۱۹۹۴) انجام داده است. برزونسکی (۱۹۹۰) نقش فرض‌های معرفت‌شناسی شخصی در فرایند شکل‌گیری هویت را بررسی کرد و نتیجه گرفت که افراد از فرایندهای شناختی - اجتماعی مختلفی برای حل مسائل شخصی، تصمیم‌گیری‌ها و پردازش اطلاعات مرتبط با "خود" و در نهایت شکل‌گیری هویت خود استفاده می‌کنند. او معتقد است که افراد هویت خود را بر اساس سه جهت‌گیری پردازش شناختی مختلف بنیان می‌نهند که آنها را سبک‌های پردازش هویت^۳ نامید (شامل سبک اطلاعاتی^۴، سبک هنجاری^۵، و سبک سردرگم - اجتنابی^۶).

افراد دارای سبک اطلاعاتی فعالانه به دنبال جمع‌آوری، پردازش و ارزیابی هویت هستند، لذا آنها اطلاعات محیطی را می‌پذیرند و در صورت مواجه شدن با اطلاعات ناهماهنگ با هویت خود سعی می‌کنند درباره ویژگی‌های هویت خود تجدید نظر کنند. (برزونسکی، ۱۹۹۰). افراد دارای سبک هنجاری در فرایند رشد و بهبود هویت خود انعطاف نشان نمی‌دهند و به حفظ هویت خود تمایل دارند، آنها معمولاً اطلاعات مغایر با جنبه‌های اساسی هویت خود مانند باورها، ارزش‌ها و اهداف خود را نمی‌پذیرند (برزونسکی، ۱۹۹۴). سبک سردرگم - اجتنابی توصیف‌کننده افرادی است که معمولاً در تصمیم‌گیری‌های خود تعلل نشان می‌دهند و

-
1. Erikson
 2. Berzonsky
 3. Identity processing styles
 4. Informational style
 5. Normative style
 6. Diffuse - avoidant style



سعی می‌کنند که تا حد امکان آنها را به تأخیر بیندازند، آنها برای مواجه شدن با مشکلات شخصی و مسائل مرتبط به هویت خود و حل آن تمایلی ندارند (برزونسکی، ۱۹۹۴). از سویی دیگر فرایند شکل‌گیری هویت در مرکزیت سؤال اخلاقی^۱ برای معنا قرار دارد، زیرا هویت به وسیله تعهدات و مشخصه‌هایی تعریف می‌شود که چارچوبی برای فرد فراهم می‌آورد تا آنچه خوب است را از موردی به مورد دیگر تعیین کند (تیلور^۲، ۱۹۸۹). لذا هویت می‌تواند به عنوان سیستم ساختار یافته از متافیزیک، اخلاقیات و ایدئولوژی تعریف شود (گریگ^۳، ۱۹۹۱؛ واتسن^۴ و همکاران ۱۹۹۸). به همین دلیل است که اریکسون (۱۹۵۸) ضمن معرفی بحران هویت بر اهمیت اکتساب باورهای مذهبی و سیاسی در طی نوجوانی تأکید می‌کند، زیرا این باورها به فرد کمک می‌کند که یک چشم‌انداز خاص را رشد دهد (اریکسون، ۱۹۵۸). لذا باید گفت که فرایند رشد جهت‌گیری مذهبی مشابه با رشد احساس هویت است (شرمن، ۲۰۰۰).

در همین راستا گریفت و گریگس^۵ (۲۰۰۱) بیان می‌کنند که معنویت و مذهب رابطه نزدیکی با هویت دارند، زیرا شکل‌گیری هویت ابزاری است که از طریق آن افراد مذهب و سایر ایدئوژیهای خود را می‌پذیرند (واتسن و موریس^۶، ۲۰۰۵). آنها با بررسی یک مطالعه موردی نشان می‌دهند که چگونه تلاش مذهبی برای معنایابی می‌تواند به عنوان تغییرات مدام از وضعیت‌های هویتی مختلف توصیف شود. مارک استروم-آدامز و اسمیت^۷ (۱۹۹۶) نیز معتقد هستند که شکل‌گیری هویت و تعریف تعهد مذهبی به فرایندهای عاطفی - شناختی مشابهی از خودکاوی، مواجهه با چالش‌های درونی و بیرونی و تصمیم‌گیری‌های مشخص نیازمند است.

باید اذعان کرد که جهت‌گیری مذهبی یک دیدگاه مرکزی در روان‌شناسی مذهب در چهار

-
1. Moral quest
 2. Taylor
 3. Grregg
 4. Watson
 5. Griffith & Griggs
 6. Morris
 7. Markstrom- Adams & Smith

دهه گذشته بوده است (تیلیوپولوس^۱ و همکاران ۲۰۰۷). آلپورت و راس^۲ (۱۹۶۷) در تبیین پیامدهای روانی مذهب به این نتیجه رسیدند که لازم است بین جهت‌گیری درونی^۳ و بیرونی^۴ به مذهب تمایز قائل شد. جهت‌گیری مذهبی بیرونی که ابزارهای مذهبی^۵ (مذهب به عنوان ابزار) نیز نامیده می‌شود، بیان‌کننده استفاده ناسازگارانه از مذهب برای اهداف خودخواهانه است، اما جهت‌گیری مذهبی درونی که اهداف مذهبی^۶ (مذهب به عنوان هدف) نیز نامیده می‌شود، به شکل رشد یافته باور مذهبی اشاره دارد که به عنوان یک انگیزه مسلط خدمت می‌کند و مسیر زندگی فرد را هدایت می‌کند. افراد دارای جهت‌گیری بیرونی، از مذهب برای به دست آوردن امنیت^۷، تسلی^۸، معاشرت^۹، منزلت^{۱۰} و خود - توجیهی^{۱۱} استفاده می‌کنند. برای این افراد مذهب تا حد زیادی مفید و مصلحت‌آمیز می‌باشد و اعتقاد و باور معمولاً سطحی است (باریت^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۵). اما افراد دارای جهت‌گیری درونی مذهب را به عنوان یک انگیزه مسلط می‌پذیرند و گرایش دارند که زندگی خود را حول محور باورهای مذهبی خود ساختار بندی کنند (تیلیوپولوس و همکاران، ۲۰۰۷). آلپورت (۱۹۹۶) آنها به عنوان افرادی کاملاً متعهد به باورهای مذهبی خود توصیف می‌شوند و تأثیر مذهب بر بسیاری از جنبه‌های زندگی آنها آشکار است (لويس^{۱۳} و همکاران، ۲۰۰۵). مطالعه لويس و همکاران (۲۰۰۵) بیان‌کننده این است که تمایز بین جهت‌گیری درونی و بیرونی به مذهب برای تبیین رابطه مذهب و بهزیستی بسیار مفید است.

علاوه بر این دو جهت‌گیری مذهبی که به وسیله آلپورت و راس (۱۹۶۷) مطرح شده است،

1. Tiliopoulos
2. Allport & Ross
3. Intrinsic orientation
4. Extrinsic orientation
5. religion of means
6. religion of ends
7. Security
8. Solace
9. Sociability
10. Status
11. Self-justification
12. Barrett
13. Lewis



بتسون و شوینرد^۱ (۱۹۹۱a) جهت‌گیری سوم را مطرح می‌کنند که جهت‌گیری سؤال^۲ نامیده می‌شود. افراد دارای جهت‌گیری سؤال مذهب را به عنوان فرایندی باز می‌بینند که در آن سؤال پرسیدن از مبناها و تعالیم مذهبی از یکدیگر جدایی ناپذیر است (مالتبی، دی^۳، ۱۹۹۸). این افراد مایل هستند که سؤال‌های هستی‌گرایانه را بدون کاهش پیچیدگی آنها بررسی کنند، آنها نسبت به تغییر باورها و اعمال مذهبی خود باز هستند و تردید مذهبی را به عنوان موضوعی مثبت می‌پذیرند (بتسون^۴ و همکاران ۱۹۹۳). به نظر بتسون و ونتیس (۱۹۸۲) در واقع جهت‌گیری سؤال نشان دهنده میزانی است که مذهب شخص باز است و پذیرای کندوکاو با سؤال‌های هستی‌گرایانه‌ایی است که در نتیجه تعارضات و تراژدی‌های زندگی ایجاد می‌شود (شاو و ژزف^۵، ۲۰۰۴). این جهت‌گیری چراهای بی‌نهایت و مستمر ایجاد شده درباره ساختار اجتماع و ساختار زندگی فرد را شامل است (شاو، و ژزف، ۲۰۰۴).

بر همین اساس برخی از محققان ارتباط جهت‌گیری مذهبی و هویت را بررسی کرده‌اند. تحقیقاتی که در این قلمرو انجام شده اکثراً ارتباط جهت‌گیری مذهبی و وضعیت‌های هویت را بررسی کرده‌اند. از جمله مارک استروم-آدامز و اسمیت (۱۹۹۶) معتقد هستند که جهت‌گیری درونی با هویت موفق ارتباط دارد و جهت‌گیری بیرونی با هویت گسیخته مرتبط است که در آن فرایندهای درونی کمی کار می‌کنند. همچنین واتسون و همکاران، (۱۹۹۸) پیشنهاد می‌کنند که درونی بودن بیان‌کننده تعهد ایدئولوژیکی به یک ایدئولوژی خاص مذهبی است، لذا با احساس کاملی از هویت در ارتباط است. اما از آنجایی که جهت‌گیری سؤال بیان‌کننده تعهدی زیر سؤال تا بی‌تعهدی است، با شکل خاصی از آسیب‌پذیری^۶ خود در ارتباط است، لذا افرادی که نمرات بالا در جهت‌گیری سؤال دارند به بحرانهای هویتی و سردرگمی هویت دچار می‌شوند.

تحقیقات اندکی رابطه فرایند شکل‌گیری هویت (سبک‌های هویت) با جهت‌گیری مذهبی

-
1. Batson
 2. Ques orientation
 3. Maltby & Day
 4. Ventis
 5. Shaw & Joseph
 6. Self- Vulnerability

را بررسی کرده‌اند. در این زمینه واتسون و موریس (۲۰۰۵) ارتباط تجربه معنوی (شامل دو بعد گشودگی معنوی^۱ و حمایت معنوی^۲) با سبک‌های هویت، جهت‌گیری مذهبی، علاقه مذهبی و نابرداری در برابر ابهام^۳ را بررسی کرده‌اند. آنها فرض می‌کنند که سبک اطلاعاتی شامل یک تلاش فعالانه و خود-بازتابی برای معنا است که شبیه به مفهوم زیربنایی جهت‌گیری سؤال است. سبک هنجاری به هم‌نوایی خودکار^۴ با هنجارهای اجتماعی مربوط است که با جهت‌گیری درونی مرتبط می‌باشد. سبک سردرگم - اجتنابی مشکلاتی را دربرمی‌گیرد که در شکل‌گیری هویت وجود دارد. که احتمالاً ویژگی جهت‌گیری سؤال است. یافته‌های تحقیق واتسون و موریس، (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که جهت‌گیری درونی با سبک اطلاعاتی و علاقه مذهبی رابطه مثبت دارد، همچنین این جهت‌گیری با سبک هنجاری و نابرداری در برابر ابهام ارتباط مستقیم دارد. جهت‌گیری سؤال با سبک اطلاعاتی و سبک سردرگم - اجتنابی ارتباط مثبت دارد، اما با سبک هنجاری ارتباطی منفی دارد. به علاوه جهت‌گیری بیرونی با سبک سردرگم - اجتنابی مرتبط است (واتسون و موریس، ۲۰۰۵).

هاشمی (۱۳۸۵) نیز با استفاده از ابزار جهت‌گیری مذهبی اسلامی (آذربایجانی، ۱۳۸۲) رابطه سبک‌های هویت و مذهب را بررسی کرده است؛ یافته‌های تحقیق او بیان می‌کند که زیرمقیاس اعتقادات - مناسک و اخلاق به شکل منفی و معنادار سبک سردرگم - اجتنابی را پیش‌بینی می‌کند، و مقیاس اخلاق پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار سبک هویتی اطلاعاتی است، همچنین زیرمقیاس اعتقادات - مناسک پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار سبک هنجاری می‌باشد. از آن جا که سبک‌های هویت نشان‌دهنده فرایندها و راهبردهایی است که افراد برای شناخت خود و حل مسائل مرتبط به آن به کار می‌گیرند (برزونسکی، ۱۹۹۰)، هدف اصلی از پژوهش حاضر بررسی نقش جهت‌گیری‌های مذهبی در سبک‌های هویت است. فرضیه‌هایی که این تحقیق قصد بررسی آنها را دارد عبارت است از:

۱- جهت‌گیری درونی سبک اطلاعاتی و سبک هنجاری را پیش‌بینی می‌کند.

-
1. Spiritual openness
 2. Spiritual support
 3. Intderance of ambiguity
 4. Outomatic conformity



۲- جهت‌گیری سؤال سبک اطلاعاتی و سردرگم - اجتنابی را به صورت مثبت و سبک هنجاری را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند.

روش تحقیق

نمونه و روش نمونه‌گیری

به منظور بررسی فرضیه‌های این پژوهش تعداد ۱۹۵ (۹۸ نفر دختر و ۹۷ نفر پسر) نفر از دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه شیراز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این ترتیب که ابتدا از بین بخش‌های مختلف در دانشکده علوم انسانی، دانشکده علوم پایه و دانشکده مهندسی، دو رشته تحصیلی انتخاب شد و در مرحله بعد در هر رشته یک کلاس به صورت تصادفی به عنوان واحد نمونه‌گیری انتخاب شد و همه دانشجویان کلاس به عنوان آزمودنی در پژوهش شرکت کردند. میانگین سنی گروه نمونه ۲۰/۴۴ و انحراف معیار ۲/۱ می‌باشد، همچنین میانگین سنی گروه پسران ۲۰/۳۵ با انحراف استاندارد ۲/۳۲ و میانگین سنی گروه دختران ۲۰/۵۴ با انحراف استاندارد ۱/۸۰ بود.

ابزار پژوهش

الف) مقیاس جهت‌گیری مذهبی

در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری جهت‌گیری مذهبی از مقیاس جهت‌گیری مذهبی^۱ (ROS) استفاده شد. این مقیاس را که آلپرت و راس (۱۹۶۷) به منظور سنجش جهت‌گیری درونی و جهت‌گیری بیرونی به مذهب ساخته‌اند، یک مقیاس ۲۰ گویه‌ای خود گزارشی است که ۱۱ گویه جهت‌گیری درونی و ۹ گویه جهت‌گیری بیرونی افراد را می‌سنجید. پاسخ‌ها در این مقیاس بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه پایایی و روایی مطلوبی داشت و شواهد مربوط به روایی و پایایی آن در تحقیقات مختلفی تأیید شده است (آلپرت و راس، ۱۹۶۷؛ هریچ، ۱۹۹۲؛ شرم، ۲۰۰۰). میزان روایی درونی این پرسشنامه

1. Religious Orientation Scale
2. Haerich

برای خرده مقیاس جهت‌گیری درونی ۰/۷۳ و برای خرده مقیاس جهت‌گیری بیرونی ۰/۶۶ گزارش شده است، همچنین ضریب آلفای کرنباخ برای خرده مقیاس جهت‌گیری درونی ۰/۸۵ و برای خرده مقیاس جهت‌گیری بیرونی ۰/۶۲ گزارش شده است (آلپرت و راس، ۱۹۶۷).
 به منظور بررسی پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرنباخ محاسبه شد. میزان ضریب آلفا برای کل پرسشنامه ۰/۶۶ و برای خرده مقیاس جهت‌گیری درونی ۰/۷۸ و برای خرده مقیاس بیرونی ۰/۶۴ بود، که بیان‌کننده پایایی مطلوب این مقیاس است. روایی پرسشنامه در این پژوهش از طریق تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس بررسی شد، مقدار ضریب KMO (شاخص کفایت نمونه‌گیری) و آزمون کرویت بارتلت^۱ (شاخص کفایت ماتریس همبستگی) نشان می‌دهد که شواهد کافی برای انجام دادن تحلیل عوامل وجود دارد. مقدار ضریب KMO ۰/۷۷ و مقدار خی آزمون بارتلت ۱۰۸۳/۴۲ به دست آمد که در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار بود. حداقل نمره اکتسابی در این خرده مقیاس جهت‌گیری درونی ۱۳ و حداکثر نمره ۵۱ است. همچنین در خرده مقیاس جهت‌گیری بیرونی حداقل نمره اکتسابی ۹ و حداکثر نمره ۳۲ می‌باشد.

ب) مقیاس جهت‌گیری سؤال

به منظور اندازه‌گیری جهت‌گیری مذهبی سؤال در این تحقیق از مقیاس سؤال^۲ (QS) استفاده شد. این ابزار اندازه‌گیری یک مقیاس خود گزارشی ۱۲ گویه‌ای است که بتسون و شوینرد (۱۹۹۱) آن را ساخته‌اند. پاسخ‌ها در این مقیاس بر اساس مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت محاسبه می‌شود که از کاملاً موافقم (۹) تا کاملاً مخالفم (۱) درجه‌بندی شده است، درباره گویه‌های منفی (گویه ۷ و ۱۱) نمره‌گذاری به صورت عکس انجام می‌شود. بتسون و شوینرد (۱۹۹۱a، ۱۹۹۱b) روایی و پایایی این مقیاس را به صورت مبسوطی بررسی کرده‌اند و شواهدی دائر بر پایایی و روایی مطلوب آن ارائه کرده‌اند. آنها میزان ضریب همبستگی بین این مقیاس و جهت‌گیری بیرونی را ۰/۰۰ و میزان ضریب همبستگی بین آن و بین آن و جهت‌گیری درونی را ۰/۰۱- گزارش می‌کنند، همچنین روایی سازه و روایی ملاکی آن را تأیید

1. Bartlets test of sphericity
2. Quest Scale



می‌کنند، به علاوه میزان ضریب آلفای کرنباخ را بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۲ گزارش می‌کنند (بتسون و شوینرد، ۱۹۹۱a، ۱۹۹۱b). مطالعات مختلف دیگری نیز روایی و پایایی این مقیاس را تأیید کرده است (مالتی و دی، ۱۹۹۸؛ لویس و همکاران، ۲۰۰۵).

به منظور آماده‌سازی این پرسشنامه برای اجرا در ایران، پس از تهیه پرسشنامه اصلی، نخست پژوهشگران پرسشنامه را به فارسی ترجمه کردند و سپس متخصص زبان انگلیسی با بهره‌گیری از روش ترجمه معکوس متن فارسی را مجدداً به انگلیسی برگرداند. در نهایت با مقایسه دو متن پرسشنامه، اصلاحات لازم انجام و نسخه نهایی پرسشنامه تهیه شد. در پژوهش حاضر به منظور بررسی پایایی از روش همسانی درونی استفاده شد. میزان ضریب آلفای کرنباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۰ محاسبه شد که نشانه پایایی مطلوب این مقیاس است. به منظور بررسی روایی نیز از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد، مقدار ضریب KMO (شاخص کفایت نمونه‌گیری) و آزمون کرویت بارتل (شاخص کفایت ماتریس همبستگی) نشان داد که شواهد کافی برای انجام تحلیل عاملی وجود دارد. مقدار ضریب KMO ۰/۷۹ و مقدار خی دو آزمون بارتل ۴۹۳/۴۴ محاسبه شد که در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار بود. نتایج، هم‌راستا با پرسشنامه اصلی است، اما سؤال ۱۱ به دلیل بارگذاری کمتر از ۰/۳۰ حذف شد.

ج) مقیاس سبک هویت

به منظور اندازه‌گیری سبک‌های هویتی از مقیاس سبک هویت^۱ (ISI) استفاده شد. این مقیاس، که وایت^۲، و همکاران (۱۹۹۸) آن را بر اساس تئوری برزونسکی طراحی کرده‌اند، یک مقیاس خود گزارشی ۴۰ گویه‌ای است، که ۱۱ گویه با سبک اطلاعاتی، ۹ گویه با سبک هنجاری، ۱۰ گویه با سبک سردرگم - اجتنابی مرتبط است. ۱۰ گویه باقیمانده میزان تعهد شخص را اندازه‌گیری می‌کند که در پژوهش حاضر از آن استفاده نشده است. پاسخ‌ها در این مقیاس بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری شد. این مقیاس پایایی و روایی مطلوبی دارد و در تحقیقات مختلفی شواهد روان‌سنجی آن تأیید شده است (وایت و همکاران، ۱۹۹۸؛ جوکار و حسین‌چاری، ۱۳۸۰؛ پورعلی فرد، ۱۳۸۳).

1. Identity Style Inventory
2. White

به منظور بررسی پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرنباخ محاسبه شد. میزان ضریب آلفا برای کل پرسشنامه ۰/۷۲ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۵۸ تا ۰/۸۵ بود، که بیان‌کننده پایایی مطلوب خرده مقیاس‌های مختلف این مقیاس است. روایی پرسشنامه در این پژوهش از طریق تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس بررسی شد، مقدار ضریب KMO (شاخص کفایت نمونه‌گیری) و آزمون کرویت بارتلت نشان داد که شواهد کافی برای انجام دادن تحلیل عوامل وجود دارد. مقدار ضریب KMO ۰/۷۳ و مقدر خی آزمون بارتلت ۱۶۲۶/۸۵ محاسبه شد که در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار بود. نتایج تحلیل عاملی سه عامل با ارزشهای ویژه بالاتر از یک مشخص می‌کند که با پرسشنامه اصلی همسو است.

یافته‌ها

به منظور ارائه تصویر واضح‌تری از وضعیت متغیرهای بررسی شده در این پژوهش، ابتدا میانگین و انحراف معیار متغیرها محاسبه شد که در جدول ۱ اطلاعات مذکور ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
جهت‌گیری مذهبی	درونی	۳۶/۳۸
	بیرونی	۱۹/۱۹
	سؤال	۶۲/۹۷
سبک‌های هویت	سبک اطلاعاتی	۳۹/۸۴
	سبک هنجاری	۱۴/۵۱
	سبک سردرگم - اجتنابی	۲۲/۸۶

همچنین قبل از انجام دادن تحلیل‌های رگرسیونی، روابط همبستگی بین متغیرهای پژوهش از طریق ارزیابی ماتریس همبستگی بررسی شد. نتایج مربوط به این تحلیل در جدول ۲ ارائه شده است.



جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	درونی	بیرونی	سؤال	سبک اطلاعاتی	سبک هنجاری
درونی	۱				
بیرونی	۰/۰۹	۱			
سؤال	۰/۲۵**	-۰/۰۲	۱		
سبک اطلاعاتی	۰/۲۹**	-۰/۰۶	۰/۲۷**	۱	
سبک هنجاری	۰/۳۵**	۰/۱۶*	-۰/۰۸	۰/۲۱**	۱
سبک سردرگم - اجتنابی	-۰/۰۸	-۰/۰۶	۰/۲۶**	۰/۱۲	۰/۱۷*

*P = ۰/۰۵

** P = ۰/۰۱

به منظور بررسی فرضیه‌های این پژوهش از تحلیل آماری رگرسیون چند متغیره به شیوه همزمان استفاده شد. ابتدا نقش جهت‌گیری‌های مذهبی در پیش‌بینی سبک اطلاعاتی بررسی شد. به این منظور از تحلیل رگرسیون جهت‌گیری‌های مذهبی بر سبک اطلاعاتی استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون جهت‌گیری‌های مذهبی بر سبک اطلاعاتی

متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	B	β	t	سطح معناداری
درونی	۰/۳۶	۰/۱۳	۰/۲۴	۰/۲۳	۳/۳۵	۰/۰۰۱
بیرونی			۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۶۱	N.S
سؤال			۰/۱۳	۰/۲۲	۳/۱۰	۰/۰۰۲

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میزان ضریب رگرسیون $R = ۰/۳۶$ و میزان ضریب تبیین $R^2 = ۰/۱۳$ می‌باشد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که جهت‌گیری درونی ($\beta = ۰/۲۳$ ، $P < ۰/۰۰۱$)، و متغیر جهت‌گیری سؤال ($\beta = ۰/۲۲$ ، $P < ۰/۰۰۲$) به صورت مثبت و معناداری سبک اطلاعاتی را پیش‌بینی می‌کند. به این معنا که متغیرهای مزبور ارتباط مثبت و قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برای سبک اطلاعاتی دارند.

همچنین به منظور بررسی چگونگی پیش‌بینی سبک هنجاری به وسیله جهت‌گیری مذهبی نیز از روش آماری تحلیل رگرسیون چند متغیره، به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون جهت‌گیری‌های مذهبی بر سبک هنجاری

متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	B	β	t	سطح معناداری
درونی	۰/۴۱	۰/۱۷	۰/۲۰	۰/۳۹	۵/۶۶	۰/۰۰۰۱
بیرونی			۰/۱۰	۰/۱۲	۱/۸۴	N.S
سؤال			-۰/۰۵	-۰/۱۸	-۲/۵۹	۰/۰۱

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، میزان ضریب رگرسیون $R = 0/41$ و میزان ضریب تبیین $R^2 = 0/17$ می‌باشد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره حاکی از این است که از بین جهت‌گیری‌های مذهبی، متغیر جهت‌گیری درونی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معناداری ($\beta = 0/39, P < 0/0001$) برای سبک هنجاری دارد. همچنین جهت‌گیری سؤال سبک هنجاری را به صورت منفی و معناداری پیش‌بینی می‌کند ($\beta = -0/18, P < 0/01$).
 به منظور بررسی نحوه پیش‌بینی سبک سردرگم - اجتنابی به وسیله جهت‌گیری مذهبی نیز از تحلیل آماری رگرسیون چند متغیره به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون جهت‌گیری‌های مذهبی بر سبک سردرگم - اجتنابی

متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	B	β	t	سطح معناداری
درونی	۰/۲۷	۰/۰۷	-۰/۰۲	-۰/۰۲	-۰/۳۲	N.S
بیرونی			۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۸۸	N.S
سؤال			-۰/۱۰	-۰/۲۵	-۳/۵۱	۰/۰۰۱

همانگونه که جدول ۵ نشان می‌دهد، میزان ضریب رگرسیون $R = 0/27$ و میزان ضریب تبیین $R^2 = 0/07$ می‌باشد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که از بین جهت‌گیری‌های مذهبی تنها متغیر جهت‌گیری سؤال قدرت پیش‌بینی معناداری دارد. این جهت‌گیری سبک سردرگم - اجتنابی را به صورت منفی و معناداری پیش‌بینی می‌کند ($\beta = -0/25, P < 0/0001$).
 (β)



بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام دادن این تحقیق بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی جهت‌گیری‌های مذهبی در سبک‌های پردازش هویت بود. یافته‌ها حکایت از آن دارد که جهت‌گیری‌های مذهبی می‌تواند سبک‌های هویتی را پیش‌بینی کند.

نتایج بیان‌کننده این است که جهت‌گیری‌های مذهبی پیش‌بین‌های معتبری برای سبک هویتی اطلاعاتی است، زیرا جهت‌گیری درونی و جهت‌گیری سؤال، قدرت پیش‌بینی مثبت و معناداری برای سبک اطلاعاتی دارد. ارتباط مثبت بین جهت‌گیری درونی و سبک اطلاعاتی در پژوهش واتسون و موریس (۲۰۰۵) نیز تأیید شده است. در تبیین این ارتباط باید به این موضوع توجه کرد که جهت‌گیری درونی به شکل رشد یافته‌ای از مذهب اشاره می‌کند که با عمل کردن به عنوان یک انگیزه مسلط مسیر زندگی فرد را هدایت می‌کند (آپورت و راس، ۱۹۶۷). افراد دارای این جهت‌گیری زندگی خود را حول محور باورهای مذهبی خود ساختار بندی می‌کنند (تیلوپولوس و دیگران، ۲۰۰۷). در واقع برای دستیابی به این نوع از جهت‌گیری مذهبی فرد به تعمق وسیع و همه‌جانبه‌ای در تمامی ابعاد زندگی نیاز دارد، لذا بدون جستجوگری و تفکر نمی‌توان به آن دست یافت. بر همین اساس جهت‌گیری درونی، سبک اطلاعاتی را پیش‌بینی می‌کند، که جمع‌آوری، پردازش و ارزیابی فعالانه اطلاعات را شامل است، زیرا افراد دارای سبک اطلاعاتی همواره بر اساس دلایل سنجیده عمل می‌کنند و وقتی با مشکلی مواجه می‌شوند، راه‌حل‌های متعددی را در نظر می‌گیرند (شوارتز و همکاران، ۲۰۰۰). در همین راستا دی‌هین و اسکوتبرگ (۱۹۹۷) مطرح می‌کنند دنبال کردن صرف آنچه والدین فرد همیشه انجام می‌دهند، به معنای مذهبی بودن نیست؛ در واقع افراد مذهبی سطوحی از اکتشاف را در راستای تعهد به مذهب تجربه کرده‌اند.

یافته دیگر تحقیق حاضر بیان‌کننده این است که جهت‌گیری سؤال نیز قدرت پیش‌بینی مثبت و معناداری برای سبک اطلاعاتی دارد. این یافته با تحقیق واتسون و موریس (۲۰۰۵) همسوست. باید گفت سبک اطلاعاتی یک تلاش فعالانه برای معنا را شامل است که بیان‌کننده مفهوم زیربنایی جهت‌گیری سؤال است، زیرا در جهت‌گیری سؤال جستجوی عمیق معنا از طریق سؤال پرسیدن و به دنبال پاسخ بودن کاملاً مثبت تلقی می‌شود، در واقع این جهت‌گیری نشان‌دهنده میزانی است که مذهب شخص باز بودن را در برمی‌گیرد و پذیرای کندوکاو با

سؤال‌های هستی‌گرایانه می‌باشد (بتسون و دیگران، ۱۹۹۳). همچنین این یافته با پژوهش مارک‌استروم و اسمیت (۱۹۹۶) همسویی دارد که معتقد هستند در مذهب شدن فرد باید در مؤلفه‌های متضاد، مانند باور یا عدم باور نسبت به خدا، اتخاذ رفتار اخلاقی یا غیر اخلاقی و... درگیر شود.

این یافته که جهت‌گیری درونی پیش‌بین‌کننده مثبت و معنادار سبک هویتی هنجاری است، اما جهت‌گیری سؤال این سبک را به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی می‌کند، که با تحقیق واتسون و موریس (۲۰۰۵) همسوست. ارتباط مثبت بین جهت‌گیری درونی و سبک هنجاری با توجه به این نکته تفسیرپذیر است که جهت‌گیری درونی مستلزم یک تعهد عمیق و همه‌جانبه به مذهب است، به گونه‌ای که افراد دارای این جهت‌گیری، افرادی کاملاً متعهد به باورهای مذهبی خود توصیف می‌شوند و تأثیر مذهب بر بسیاری از جنبه‌های زندگی آنها آشکار است (تیلوپوس و همکاران، ۲۰۰۷). از سوی دیگر، سبک هویت هنجاری نیز بیان‌کننده توافق خودکار با هنجارهای اجتماعی و رفتار بر اساس استانداردهای هنجاری می‌باشد، افراد دارای سبک هنجاری همیشه بر اساس استانداردهای هنجاری خود عمل می‌کنند و تمایل به حفظ ساختار هویتی موجود خود تمایل دارند. در واقع همان‌طور که واتسون و همکاران (۱۹۹۸) مطرح کردند درونی بودن نشانه تعهد به یک ایدئولوژی خاص مذهبی است. همچنین این یافته با دیدگاه شرم (۲۰۰۰)، مبنی بر مترادف بود مذهب درونی با تعهد عمیق مذهبی، هموست می‌باشد.

یافته دیگر این تحلیل بیانگر پیش‌بینی منفی و معنادار سبک هویت هنجاری به وسیله جهت‌گیری سؤال است. این نتیجه نیز با پژوهش واتسون و موریس (۲۰۰۵) همسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت که از آنجایی که جهت‌گیری سؤال توصیف‌کننده باز بودن معنوی است و ویژگی افرادی است که به بررسی سؤال‌های هستی‌گرایانه بدون کاهش پیچیدگی آنها مایل هستند و تردید مذهبی را به عنوان موضوعی مثبت و مفید می‌پذیرند (بتسون و همکاران، ۱۹۹۳)، لذا این جهت‌گیری با سبک هنجاری، که بیان‌کننده تمایل به حفظ هویت ثابت و ساختار یافته و فقدان تمایل به باز بودن نسبت به اطلاعاتی است، که با ارزش‌ها و باورهای شخصی در تعارض هستند، ارتباطی معکوس دارد و بر همین اساس جهت‌گیری سؤال سبک هنجاری را به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی می‌کند.



تحلیل‌های انجام شده درباره سبک سردرگم - اجتنابی نشان می‌دهد که تنها جهت‌گیری سؤال می‌تواند این سبک هویتی را به طور منفی پیش‌بینی کند. این یافته همسو با تحقیق هاشمی (۱۳۸۵) بیان می‌کند که هم زیر مقیاس اعتقادات - مناسک و هم زیر مقیاس اخلاق در جهت‌گیری مذهبی با سبک سردرگم - اجتنابی ارتباطی منفی دارد و جهت‌گیری مذهبی پیش‌بینی‌کننده منفی این سبک است. همچنین این یافته با دیدگاه کینگ (۲۰۰۳) همسو است؛ به اعتقاد او مذهب از طریق فراهم آوردن زمینه‌های ایدئولوژیکی، اجتماعی و معنوی مقدمات رشد هویت را فراهم می‌آورد، لذا جهت‌گیری مذهبی نمی‌تواند با سبک سردرگم - اجتنابی رابطه‌ای مثبت داشته باشد.

باید گفت که سبک سردرگم - اجتنابی بیان‌کننده مشکلاتی است که در زمینه شکل‌گیری هویت وجود دارد. افراد دارای این سبک هویتی از مواجه شدن با تعارض‌های هویتی و تصمیم‌گیری‌های شخصی تا حد امکان اجتناب می‌کنند و اگر با چنین شرایطی مواجه شوند، سعی می‌کنند بر اساس موقعیت عمل کنند نه بر مبنای اعتقاد شخصی یا استاندارد هنجاری (برزونسکی، ۱۹۹۰)، اما بر خلاف این سبک هویتی افراد دارای جهت‌گیری سؤال خود جستجوگر فعال سؤال‌ها و اطلاعات جدید محیطی هستند و از هر گونه تردید یا ابهامی در جهت رفع آن استقبال می‌کنند. در واقع آنها علاقه‌مند هستند که خود با ابهامات وجود گرایانه مواجه شوند (بتسون و دیگران، ۱۹۹۱)، لذا جهت‌گیری سؤال سبک هویتی سردرگم - اجتنابی را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند.

شایان ذکر است که این یافته با تحقیق واتسون و موریس (۲۰۰۵) و واتسون و دیگران (۱۹۹۸) مغایر است. بر طبق نظر این محققان جهت‌گیری سؤال پیش‌بین‌کننده مثبت سبک سردرگم - اجتنابی می‌باشد. در واقع این محققان فرض می‌کنند که جهت‌گیری سؤال بیان‌کننده یک تعهد متزلزل یا نبود تعهد فردی می‌باشد، لذا با آسیب‌پذیری خود مرتبط است، که در بحران‌های هویت و سبک سردرگم - اجتنابی بروز می‌یابد. از نظر این محققان نمره‌های بالا در جهت‌گیری سؤال بیان‌کننده شکلی از بی‌جهت بودن است که اغلب افراد آن را چنین توصیف می‌کنند که نمی‌دانند چه کسی هستند یا اینکه از نظر اخلاقی در چه وضعیتی قرار دارند، اما در تبیین مغایرت این یافته‌ها با یافته تحقیق حاضر مبنی بر وجود ارتباط پیش‌بینی‌کنندگی منفی بین جهت‌گیری سؤال و سبک سردرگم - اجتنابی، می‌توان به ویژگی‌های خاص مکتب اسلام

توجه داشت که بر طبق مبانی الهی این مکتب انسان‌ساز، طرح سؤال، تردید داشتن و به دنبال پاسخ ابهامات بودن نه تنها مردود شمرده نمی‌شود، بلکه به عنوان شک مقدس در جهت بهتر فهمیدن، از آن استقبال نیز می‌شود. پذیرش مکتب اسلام بدون درک و جستجوگری فعال اساساً مردود است. بر همین اساس است که در مکتب اسلام تقلید در اصول دین غیر مجاز می‌باشد، بلکه هر فرد باید خود به دنبال یافتن پاسخی برای سؤال‌های وجودگرایانه باشد و تنها بعد از جستجوگری، کاوش، تردید کردن و سؤال کردن است که بهترین پاسخ برای سؤال‌های خود را در تعالیم و اصول مکتب اسلام پیدا می‌کند و به این مکتب متعهد می‌شود. بعد از پذیرش اصول و مبناهای اسلامی نیز طرح سؤال و رفع ابهام از نظر این دین بزرگ الهی کاملاً مثبت، مقدس، و پذیرفته شده است. لذا آن افرادی که این مکتب الهی را دارند و جهت‌گیری سؤال را دنبال می‌کنند و همواره به دنبال سؤال کردن و دانستن هستند، هیچ‌گاه احساس سردرگمی هویت نمی‌کنند، بلکه کاملاً بر عکس همیشه در جهت رشد هویت خود، بهتر فهمیدن و بازسازی ابعاد وجودی خود گام برمی‌دارند.

بر اساس آنچه در این تحقیق مطرح شد، به نتایج از دو حیطه نظری و کاربردی می‌توان توجه کرد. از جنبه نظری، اجرای تحقیق‌های داخلی در زمینه جهت‌گیری مذهبی به توسعه بیشتری نیاز دارد و نتایج این پژوهش می‌تواند بدنه علمی این پژوهش‌ها را تقویت کند. همچنین این پژوهش می‌تواند تا اندازه‌ای کمبود اطلاعات در زمینه ارتباط سبک هویت و جهت‌گیری مذهبی را جبران کند.

از نقطه نظر کاربردی انجام دادن این تحقیق در کشوری با فرهنگ اصیل مذهبی نکات مهمی را برای پرورشکاران و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش به همراه دارد. بر طبق یافته‌های این پژوهش تبیین ویژگی‌های حقیقی، اصیل و پایه‌ای مذهب اسلام می‌تواند گامی مهم در جهت فرایند شکل‌گیری هویت محسوب شود. فراهم آوردن زمینه‌های رشد جهت‌گیری درونی در نوجوانان و جوانان موجبات تسریع فرایند شکل‌گیری هویت را در آنها فراهم می‌آورد.

همانگونه که مطرح شد، جهت‌گیری مذهبی درونی هم سبک اطلاعاتی و هم سبک هنجاری را پیش‌بینی می‌کند. برخی از پژوهش‌ها از جمله غضمفری، (۱۳۸۲) بیان می‌کند، که افراد دارای سبک اطلاعاتی و سبک هنجاری، سلامت روانی مطلوبتری دارند، آنها مشکلات



افسردگی و اضطراب کمتری را در زندگی تجربه می‌کنند (پورعلی فرد، ۱۳۸۳). همچنین بر طبق یافته‌های این تحقیق همراه کردن جهت‌گیری درونی با جهت‌گیری سؤال‌موجبات‌رشد جهت‌گیری اطلاعاتی را فراهم می‌آورد که از نظر برخی از محققان سبک هویت برتر است (شوارتز^۱ و دیگران، ۲۰۰۰)، زیرا همواره زمینه‌های رشد فرد را فراهم می‌آورد.

آخرین نکته کاربردی این پژوهش نیز توجه به این موضوع است که جهت‌گیری بیرونی به مذهب هیچ یک از سبک‌های هویتی را پیش‌بینی نمی‌کند، لذا گسترش فرهنگ استفاده از دین، به عنوان ابزاری برای اهداف شخصی، هیچ کمکی به فرایند شکل‌گیری هویت نمی‌کند. گسترش فرهنگ اصیل مذهب در جامعه موضوعی است که لازمه آن کاوشها و تحقیقات گسترده‌ای در زمینه نقش مذهب در شکل‌گیری ابعاد شناختی، انگیزشی، رفتاری و اجتماعی افراد جامعه است. بررسی نقش جهت‌گیری‌های مذهبی در شکل‌گیری هویت و سبک‌های پردازش هویت با واسطه‌گری نقش انگیزش و نگرش فرد به مذهب از موضوعات پیشنهادی این پژوهش است. همچنین با توجه به عمق معانی و فرهنگ اسلامی، اجرای پژوهش‌های کیفی به محققان برای تبیین دقیق فرایند مذهبی شدن و چگونگی تأثیر مذهب در ابعاد وجودی انسان و جامعه توصیه می‌شود.

شایان ذکر است که در پایان با توجه به اینکه فرایند شکل‌گیری هویت و سبک‌های پردازش هویت در سالهای نوجوانی فعالیت خود را آغاز می‌کنند، تمرکز بر گروه دانشجویان از محدودیت‌های پژوهش حاضر است، به منظور بررسی دقیق سبک‌های پردازش هویت و نقش جهت‌گیری‌های مذهبی در آنها بررسی همزمان گروه دانشجویان و دانش‌آموزان مقاطع سوم راهنمایی و دبیرستان توصیه می‌شود.

منابع

- برک، لورای، (۱۳۸۱). روانشناسی رشد ۲، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، ارسباران.
- پورعلی‌فرد، فاطمه، (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های هویت و ابعاد هویت در دانشجویان دانشگاه شیراز و دانش‌آموزان مقطع سوم دبیرستان شهرستان شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه شیراز.
- جوکار، بهرام و حسین‌چاری، مسعود، (۱۳۸۰). بررسی رابطه میزان پای‌بندی به اعمال عبادی و سبک هویت، مقاله ارائه شده به اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ایران.
- هاشمی، زهرا، (۱۳۸۵). بررسی رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی (اسلامی) با ابعاد هویت و سبک‌های هویت در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۸۴-۸۳، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- Allport, G. W & Ross, M, (1967). Personal religious orientation and prejudice, *Journal of Personality and Social Psychology*, 5, 432- 443.
- Barrett, D. W, Patock-Peckham, J. A, Hutchinson, C. T & Nagoshi, C. T, (2005). Cognitive motivation and religious orientation, *Personality and Individual Differences*, 38, 461- 474.
- Batson, C. D & Scheonrade, P, (1991a). Measuring religion as quest: (1) Validity concerns, *Journal for Scientific Study of Religion*, 30, 416- 429.
- Batson, C. D & Scheonrade, P, (1991b). Measuring religion as quest: (1) Reliability concerns, *Journal for Scientific Study of Religion*, 30, 430- 447.
- Batson, C. D & Scheonrade, P, Ventis, W. L, (1993). *Religion and the individual: A social- psychological perspective*, New York, Oxford University Press.
- Berzonsky, M. D, (1990). Self- construction over the lifespan: A process perspective on identity formation. In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.), *Advances in Personal Counteract Psychology*, 1, 155-186.
- Berzonsky, M. D, (1994). Self- identity: The relationship between process and content, *Journal of Research in Personality*, 28, 459-460.
- Erikson, E. H, (1958). *Young man Luthar: A study of psychoanalysis and history*. New York, W. W. Norton and Company,
- Griffith, B & Griggs, J, (2001). Religious identity status as a model to understand, assess, and interact with client spirituality, *Counseling and Values*, 46, 14- 25.
- Haerich, P, (1992). Premarital sexual permissiveness and religious orientation: A preliminary investigation, *Journal for Scientific Study of Religion*, 31, 361- 365.



- Lewis, C. A, Maltby, J & Day, L, (2005). Religious orientation, religious coping and happiness among UK adults, *Personality and Individual Differences*, 38, 1193- 1202.
- Maltby, J & Day, L, (1998). Amending a measure of the quest religious orientation: applicability of the scale' s use among religious and non-religious persons. *Personality and Individual Differences*, 25, 517- 522.
- Markstrom- Adams, C & Smitt, M, (1996). Identity formation and religious orientation among high school students from United states and Canada. *Journal of adolescence*, 19, 247- 261.
- Schwartz, S. J, Mullis, R. L, Waterman, A & Dunham, R. M, (2000). Ego identity status, identity style, and personal expressiveness: An empirical investigation of three convergent constructs, *Journal of Adolescent Research*, 15 (4), 504- 521.
- Shaw, A & Joseph, S, (2004). Principal components analysis of Maltby and Day' s (1998) amended quest religion scale: A relationship of the three component structure, *Personality and Individual Differences*, 37, 1425- 1430.
- Sherman, R. M, (2000). *Religious orientation and identity formation: A study of adolescent girls*, Unpublished Doctoral Dissertation, Long Island University.
- Taylor, C, (1989). *Sources of the self: The making of the modern identity*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Tiliopoulos, N, Bikker, A. P, Coxon, A. P. M & Hawkin, P. k, (2007). The means and ends of religiosity: A fresh look at Gorden Allport ' s religious orientation dimensions, *Personality and Individual Differences*, 42, 1609- 1620.
- Watson, P. J & Morris, R. J, (2005). Spiritual experience and identity: relationship whit religious orientation, religious interest, and intolerance of ambiguity. *Review of Religious Research*, 46 (4), 371- 379.
- Watson, P. J, Morris, R. J, Hood, R. W, Milliron, J. T & Stutz, N. L, (1998). Religious orientation, identity, and the quest for meaning in ethics within an ideological surround, *Journal for the Phychology of Religion*, 8 (3), 149- 164.
- White, J. M, Wampler, R. S & Winn, K. I, (1998). The identity style inventory: A Revision whit a sixth- grade reading level (ISI- 6G), *Journal of Adolescent Research*, 13 (2), 223- 245.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی